

بحران معنوی انسان متجدد

معنای انسانیت در جوامع صنعتی مدرن در حال تغییر و تحول است. این امر بدین معناست که همه باورها، رفتارها و حتی ادیانی که براساس مفهوم خاصی از انسانیت شکل گرفته‌اند، همگی در حال دگرگونی هستند. اما چگونه؟ آیا واقعاً ممکن است که انسانیت تحریف شود؟ برخی معتقدند که در طبیعت بکر، در بالاترین مرتبه، می‌توان به عنوان تجلی الهی بر انسان تأمل کرد که واجد پیام مابعدالطبیعی و ویژگی‌های معنوی خویش است. بررسی دستاوردهای جامعه‌شناسان، نظریه‌پردازان اجتماعی و تاریخ‌دانان، ما را در شناخت بیشتر این واقعیت ره می‌نماید.

کتاب انسان و طبیعت، بحران معنوی انسان متجدد دکتر سیدحسین نصر با عنوان انگلیسی *Man and Nature, The Spiritual Crisis in Modern Man* تحقیق جامعی است پیرامون نگرشی به طبیعت و بحران محیط زیست و اهمیت بُعد راستین بحران زیست محیطی، که در سال ۱۳۷۹ با ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر گردید.

در این دوران، به باور مولف، بحران زیست محیطی انسان‌ها آغاز گردیده بود و تنها معدودی از انسان‌ها تبعات آن را می‌دیدند و حاضر بودند در مورد علل عمده وقوع آن بحث و بررسی نمایند، اما به زودی شرایط زیست محیطی زمین که به سرعت رو به وخامت می‌گراید، وجود بحران را آشکار ساخت به گونه‌ای که در شرایط کنونی عکس‌العمل همگانی مردمی را برانگیخته



است و مسئولان امر را با اعتراضات شدید دوستداران محیط زیست و طبیعت رو به رو ساخته است. این امر خود موجب پیدایش منجیان «احزاب سبز» در گوشه و کنار جهان گردید. بدین ترتیب در سال ۱۳۸۲ ترجمه این کتاب به چاپ دوم رسید.

این کتاب دربرگیرنده چهار فصل: «صورت مسئله»، «علل عقلانی و تاریخی»، «برخی اصول متافیزیکی مرتبط با طبیعت» و «بعضی کاربردهای خاص در وضعیت فعلی» می باشد که پس از پیشگفتاری بدانها پرداخته شده است.

دکتر نصر با نگاهی جامع به بررسی مقام طبیعت در ادیان گوناگون توحیدی و ابراهیمی مسیحیت و یهود پرداخته و بشر امروزی را به خاطر بی‌اعتنایی به مقام قدسی طبیعت و هتک حرمت آن شدیداً مورد انتقاد قرار می دهد.

دکتر نصر با رجوع به تاریخ علم و فلسفه به مواضع و باورهای ادیان گوناگون در رابطه با طبیعت می پردازد، ولی تکیه بر اخلاقیات و اصول اخلاقی را برای رهایی از بحران محیط زیست کافی نمی بیند، بلکه رهنمودهایی جهانشمول مبتنی بر نگرش عرفانی برای محیط زیست ارائه می دهد.

او معتقد است که انسان نمی تواند محیط زیست خود را نجات دهد مگر از طریق بازیابی ارتباط میان آن روح الهی و آگاهی دوباره نسبت به کیفیت مقدس آثار و افعال آن صانع متعال.

انسان نمی‌تواند به چنین آگاهی از جنبه مقدس طبیعت به جز از راه کشف امر مقدس در درون خویش و در نهایت کشف ذات قدسی دست یابد.

همین امر در مجامع علمی و سیاسی جهان اعتبار خاصی به این کتاب بخشیده است، زیرا دقیقاً در روزگاری که برخورد تعصبات و مجادلات دینی اشکال خشونت‌آمیزی گرفته، راه حل پیشنهادی نویسنده در عین حفظ حرمت و احترام به باورهای کلی ادیان، فراتر از مرزهای دین خاصی است. کتاب انسان و طبیعت دکتر نصر پاسخ قانع‌کننده‌ای بر دو نگرش عمده اندیشمندان غربی بر بحران حاکم بر رابطه انسان و طبیعت است که از اوایل قرن بیستم مقبولیت عام یافته است:

نخست بینشی است که معتقد است علوم و صنایع جدید به همراه دستاوردهای حیاتی و بسیار مفیدی که برای جامعه بشری داشته‌اند، نتایج و اثرات منفی نیز به بار آورده‌اند و این امر اجتناب‌ناپذیر است.

نگرش دیگر تجاوز انسان تجددزده را بر حریم قدسی طبیعت از بُعد اقتصادی آن می‌نگرد و آن را به تحلیل‌های سطحی و شعارگونه‌ای همچون افسار گسیختگی بشر امروزی و حرص و آز نظام سرمایه‌داری تقلیل می‌دهد.

وی خاطر نشان می‌سازد که نوعی عدم تعادل بین انسان متجدد و طبیعت وجود دارد که این عدم توازن به خاطر تخریب انسجام و هماهنگی بین انسان و خداوند است. در حالی که در جهان بینی انسان غیر متجدد، خواه باستانی یا معاصر، کل عالم ماده دارای وجهی مقدس است و همه پدیده‌های آن معنادار است.

او معتقد است که بشریت برای مدرن شدن و متجدد گردیدن، تمام توجه خود را به بیرون و خارج از وجود خویش معطوف داشته و این برون‌هستگی بینوایی، حالت درونی نفس‌کسانی است که اعمال خود آنها موجب چنین بحران زیست محیطی شده است. فقدان پذیرش بُعد معنوی و گرایش به نوعی علم‌گرایی و یا علم‌باوری همه واقعیات را به سطح مادی امور و پدیده‌ها تقلیل می‌دهد.

در مجادله زیست محیطی، نگاه صرفاً علمی به انسان و طبیعت، نگاهی است که ارتباط بشر را با ریشه‌های معنوی وی قطع کرده و موجب پیدایش طبیعتی تقدس‌زدایی شده می‌گردد.

گرچه در هر یک از این تحلیل‌ها شمایی از حقیقت وجود دارد، ولی هیچ یک کامل و جامع نیست و دکتر نصر در پاسخ به چنین تحلیل‌هایی ادعای مطلق بودن علوم جدید را رد می‌کند و بر تقدس حیات تأکید می‌ورزد، اما بشر متجدد تقدس حیات را فراموش کرده و با بریدن از منشأ قدسی خود، دچار سرگشتگی روحی و معنوی شده و در نتیجه از خود و خدای خود بیگانه شده



● فریح نیازکار

است و به همین دلیل است که نصر بحران موجود محیط زیست را «تجلی برونی بحران درونی انسان تجددزده» تعبیر می‌کند و بدان باور است که راه خروج از آن تنها «تولد دوباره معنوی انسان» است تا از طریق این تولد دوباره به کسب هماهنگی تازه‌ای با جهان طبیعتی که پیرامون وی قرار دارد، پردازد، چرا که ایجاد هیچ صلح و آرامشی بین آحاد بشر، بدون ایجاد صلح و آرامش و هماهنگی و سازگاری بین انسان و طبیعت ممکن و مقدور نیست.

باید به کسب آن گونه شناختی از طبیعت همت گماشت که در آن بر پیوند میان طبیعت و خداوند بر رابطه میان طبیعت و بقیه کیهان و بر مقام انسان به عنوان «خلیفه الله» تاکید لازم بشود و به یاد داشت که «همه طبیعت از خداوند سخن می‌گویند» و «آسمانهای هفتگانه و زمین و آن چه در آنهاست، خداوند را تسبیح می‌گویند».